

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۱

تاریخ پذیرش: ۹۰/۱۱/۲۶

تأثیر رسانه‌های مجازی بر جنبش اشغال وال استریت

نوشته

ابوذر گوهری مقدم*

محمدصادق دهقانی محمدآبادی**

چکیده

جنبش وال استریت را اشغال کنید که در ماه‌های اخیر در آمریکا شکل گرفته و دامنه آن حتی به کشورهای دیگر نیز کشیده شده است از ابعاد مختلف حایز اهمیت بوده و موضوع تحقیق و بررسی قرار گرفته است. در روزهای آغازین این جنبش، رسانه‌های اصلی آمریکا سیاست سکوت را در دستور کار قرار دادند اما با گسترش ابعاد زمانی و مکانی جنبش، رسانه‌های جریان اصلی درصدد القای این مطلب برآمدند که معترضان را آنارشیبست جلوه داده و در نهایت نیز این جنبش را به یک دعوای ساده حزبی تنزل دادند. در عین حال معترضان نیز تلاش کردند از رسانه‌های آلترناتیو و نیز فضا و شبکه‌های مجازی برای رساندن پیام خود استفاده کنند. سؤال اصلی مقاله حاضر آن است که جایگاه و نقش رسانه‌های مجازی در شکل‌گیری و تداوم این جنبش چگونه بوده است؟ در پاسخ به این پرسش باید اشاره کرد جنبش اشغال وال استریت از طریق رسانه‌های مجازی شرایط اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را به اشتراک گذاشتند و شبکه‌های اجتماعی غیرمجازی مانند خانواده، گروه‌های همسالان و دوستان خود را در شبکه‌های مجازی بازتولید کرده و بر انسجام اجتماعی خود افزودند. ویژگی‌هایی نظیر بدون مرز بودن فضای رسانه‌های مجازی، کاهش هزینه اقدامات جنبش، تأمین راحت امکانات و عوامل مورد نیاز برای اقدام، انعکاس جهانی اقدامات، امکان هماهنگی لحظه‌ای، امکان جذب حامیان از سراسر جهان باعث شده جنبش اشغال وال استریت از این امکانات حداکثر استفاده را برای نمایش جهانی جنبش خود کند.

کلید واژه: جنبش اشغال وال استریت، رسانه‌های مجازی، اینترنت، شبکه‌های اجتماعی.

* استادیار روابط بین‌الملل دانشگاه امام صادق (ع) agohari@gmail.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد معارف اسلامی و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) sadeghdehghani@gmail.com

مقدمه

با ظهور عصر اطلاعات و ارتباطات و پیچیده‌تر شدن آن، بشر با پدیده‌ای به نام جنبش اجتماعی روبه‌رو شده است که بررسی آن دانشمندان علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و ارتباطات را به خود مشغول کرده است. سه عنصر خودجوشی، ساختار و پیام را می‌توان مهم‌ترین مؤلفه‌های جنبش‌های اجتماعی دانست. در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ قرن بیستم میلادی جنبش‌هایی معروف به "جنبش‌های نوین اجتماعی" (New Social Movements (NSMs)) در آمریکا شکل گرفت که با تعاریف سنتی از جنبش‌ها همخوانی نداشته و در شکل جنبش‌های دانشجویی، حقوق بشر، پسااستعماری، ضدنژادپرستی و فمینیستی نمود پیدا کردند. این نوع جنبش‌ها همگی به‌عنوان رهیافت‌هایی غیر طبقه‌ای بودند که تمایل به رهبری و ساختار سازمانی غیرمتمرکز داشته و بیشتر تأکیدشان نیز روی شبکه‌هایی از گروه‌ها بود که برای حمایت از خواسته خود متحد شده بودند. جنبش‌های نوین اجتماعی غالباً هیچ نقشه ذهنی از پیش طراحی نداشته، فاقد پایگاه طبقاتی، نژادی یا غیره بوده‌اند و در یک گروه خاص دسته‌بندی نمی‌شوند (Rayner, 2011).

اگرچه دیدگاه‌های متفاوتی راجع به جنبش‌های نوین اجتماعی وجود دارد، ولی می‌توان مجموعه اصول و عقاید مشترکی را از آن‌ها استخراج کرد. ویژگی‌های اصلی این جنبش‌های نوین اجتماعی عبارت‌اند از:

۱. غیرابزاری بودن، یعنی بیان‌کننده علائق و نگرانی‌های جهان‌شمول بوده و نماینده منافع مستقیم گروه‌های اجتماعی خاص نیستند. به‌عبارتی هویت‌محور بوده و دربردارنده طبقات و گروه‌های مختلف هستند.
۲. جهت‌گیری مدنی دارند، یعنی نسبت به ساختارهای بوروکراتیک متمرکز بدگمان‌اند و بیشتر به جنبه‌هایی نظیر فرهنگ، شیوه زندگی و مشارکت در سیاست اعتراض نمادین توجه دارند.
۳. به شدت به رسانه‌های گروهی متکی بوده‌اند و به این شیوه مبادرت به بسیج اعتراضات در سطح جهانی می‌کنند.
۴. سازماندهی غیررسمی و انعطاف‌پذیر دارند (Nash, 2000).
۵. به‌صورت شبکه‌ای جهت برقراری پیوند و ائتلاف بین بازیگران گروهی و غیردولتی و جنبش‌های دیگر در سطح بین‌المللی عمل می‌کنند و از ویژگی سلسله‌مراتبی کمتر نیز برخوردارند.
۶. غالباً غیرخشونت‌آمیز هستند (Kaldor, 2003).

این نوع جنبش‌ها جدای از ساختار سازمانی سیال و غیرمرکزی، شاخص‌های بازتر و عمومی‌تری برای عضویت افراد دارند و از طریق اقدام و کنش مستقیم بر شیوه زندگی مردم و حصول تغییرات اجتماعی تأثیرگذارند. رسانه‌ها در شکل‌گیری و گسترش این جنبش‌ها نقش اساسی دارند و در سال‌های اخیر با گسترش رسانه‌های مجازی در فضای سایبر و نیز شبکه‌های

اجتماعی مجازی بر اهمیت این جنبش‌ها افزوده شده و ایجاد و توسعه این تحرکات اجتماعی-سیاسی تسهیل شده است. در این مقاله تلاش می‌شود تأثیر رسانه‌های مجازی بر شکل‌گیری و تداوم جنبش اشغال وال‌استریت بررسی شود. در این راستا در ابتدا به تأثیر رسانه‌های مجازی در این جنبش‌های جدید پرداخته می‌شود و پس از ذکر اهداف و ماهیت این جنبش، به بیان روند استفاده جنبش اشغال وال‌استریت از فضای مجازی خواهیم پرداخت.

۱. تأثیر رسانه‌های مجازی بر شکل‌گیری جنبش‌های جدید

با پیشرفت روزافزون وسایل ارتباط جمعی در جهان و امکان دست‌یابی به تازه‌ترین خبرها و گزارش‌های نوشتاری و شنیداری و تصویری از دورترین مناطق جهان و استفاده بهینه از رسانه‌ها و ابررسانه‌ها، این وسایل ارتباطی بستر ساز وقوع تحولات در داخل کشورها به موازات اثرگذاری آن در نظام بین‌الملل شده‌اند. در واقع تکنولوژی‌های نوین ارتباطاتی در جهان، ایده موسوم به دهکده جهانی را تحقق عینی بخشیده‌اند و مردم هم اینک در جهانی زندگی می‌کنند که از هر لحاظ تحت دیده تیزبین یکدیگر قرار دارند. پیشرفتی که انقلاب علمی و فناوری‌های نوین دیجیتالی به ویژه در گستره ارتباطات به آن دست یافته، مجال را برای پیدایش نیروها و نهادها و شبکه‌های اجتماعی درون کشورها به وجود آورده است. این مسئله سبب ایجاد جوامعی شده است که در آن، جریان پیوسته اطلاعات، انتشار سریع عقاید و افکار را تسهیل می‌کند. این پیشرفت‌ها سبب شده است جامعه مجازی بین‌المللی جنبه کاملاً شفاف و شیشه‌ای به خود بگیرد و هیچ مسئله‌ای از چشم افراد و گروه‌ها پنهان نماند و به سرعت در اختیار همگان قرار بگیرد و طبعاً می‌تواند مورد استفاده آن‌ها نیز قرار گیرد (Cohen, 1996: 39).

برقراری ارتباط از طریق اینترنت و فضای مجازی برای جنبش‌های جدید سیاسی-اجتماعی ایدئال است: این روش غیر متمرکز بوده و قابلیت کنترل کمتری دارد و هویت افراد به راحتی فاش نمی‌شود. دسترسی آزاد را برای هر کس که خواهان آن باشد امکان‌پذیر می‌سازد. تسهیلات بسیار دیگری مانند پست الکترونیک، اتاق‌های گفت‌وگوی اینترنتی، گروه‌های الکترونیک، محفل‌های اینترنتی و تابلوهای اعلانات مجازی نیز از جمله این امکانات هستند. به عنوان مثال در انقلاب مصر مردم از شبکه‌های اجتماعی نظیر فیس‌بوک نهایت استفاده را انجام دادند و تصاویر و نظرات و فیلم‌های خود را در صفحات فیس‌بوک منتشر کرده و به سرعت این تصاویر و نظرات فراگیر می‌شد (Allagui, 2011: 1435-440). مردم از طریق این شبکه‌ها شرایط سخت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را به اشتراک گذاشتند و شبکه‌های اجتماعی غیرمجازی مانند خانواده، گروه‌های همسالان و دوستان خود را در شبکه‌های مجازی بازتولید کرده و بر انسجام اجتماعی خود افزودند. هرچند دولت‌ها اقدام به فیلتر این سایت‌ها کردند ولی هاست‌ها و میزبانان این فضاهای مجازی به کشورهای دیگر

منتقل می‌شد تا همه امکان دسترسی به این شبکه‌ها را داشته باشند. البته در این میان نمی‌توان نقش رسانه‌های سنتی نظیر شبکه‌های تلویزیونی را نیز نادیده گرفت (Doran, 2011: 44). بارزترین ویژگی فضای سایبر، دسترس‌پذیر ساختن سریع و با حداقل هزینه تمامی اطلاعات برخاسته است که بسیاری از نمونه‌های آن را در وب‌گاه‌های شبکه جهانی اینترنت شاهد هستیم. این دسترس‌پذیری برای همگان فراهم آمده و هیچ‌گونه تبعیضی اعمال نشده است. جالب‌تر اینکه، اگر صاحبان منابع اطلاعات، رأساً یا به واسطه دیگران، به ویژه متصدیان شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای، با اجرای تمهیدات گوناگون سخت‌افزاری و نرم‌افزاری، سعی در تحدید این میزان دسترس‌پذیری داشته باشند، توفیق چندانی نمی‌یابند. زیرا این فضا به همان راحتی انواع ابزارهای خنثی‌کننده را در اختیار همگان قرار داده است. به عبارت دیگر، به‌طور تقریبی چیزی به نام تحدید دسترسی به اطلاعات در فضای سایبر معنا ندارد (Sofaer, 2002: 2084). این مسئله به روشنی سبب می‌شود نقش فضای سایبر و شبکه‌های مختلف مجازی در روند جنبش‌های جدید از جمله جنبش اشغال وال‌استریت به خوبی نمایان شود. همان‌طور اشاره شد، فضای سایبر دنیای بیکرانی از امکانات و قابلیت‌های بی‌شمار است که بدون محدودیت در دسترس همگان قرار دارد و هرکس با هر انگیزه و هدفی می‌تواند از این موهبت بهره‌برداری کند. بی‌تردید جنبش‌های جدید هم خود را از این قاعده مستثنی نمی‌دانند. آن‌ها همانند همه این حق را برای خود قائل می‌شوند که از امکانات بی‌شمار این فضا در راستای تحقق اهداف‌شان بهره‌برداری کنند. مهم‌ترین دلایلی که سبب کاربرد وسیع این شبکه‌ها، فضا و رسانه‌های مجازی در جنبش‌های جدید می‌شود به شرح زیر است:

۱. **بدون مرز بودن فضای سایبر.** ماهیت فرامرزی فضای سایبر، آن هم به گونه‌ای که هیچ‌یک از موانع و مرزهای موجود در دنیای فیزیکی در آن ملاحظه نشود، یک ویژگی اساسی محسوب می‌شود و مزایای بی‌شماری از آن نشئت می‌گیرد.
۲. **کاهش هزینه اقدامات.** فضای مجازی هزینه اقدامات را به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش داده است. لذا ماهیت فرامرزی فضای سایبر فرصت بسیار مغتنمی برای جنبش‌های جدید است که با وجود دستیابی به اهداف پیش‌بینی شده، امکان به دام افتادن افراد و کنترل جنبش‌ها به حداقل ممکن می‌رسد. جنبش‌ها به راحتی می‌توانند از هر گوشه جهان اهداف خود را در فضای مجازی تعقیب کنند، بی‌آنکه شناسایی شوند حتی در صورت شناسایی نیز، مشکلات اجرایی بسیاری جهت دستگیری و مجازات آن‌ها وجود دارد.
۳. **تأمین راحت امکانات و عوامل مورد نیاز برای اقدام.** فضای سایبر و رسانه‌های مجازی تمامی ابزارهای مورد نیاز برای انواع اقدامات جنبش‌ها را در فضای سایبری به صورت روزآمد در اختیار همگان قرار داده و البته نحوه به‌کارگیری آن‌ها تا حدی ساده شده که با کمترین مهارت و تجربه می‌توان از آن‌ها استفاده کرد (Denning, 1999: 239).

۴. انعکاس جهانی اقدامات جنبش. شاید فناوری اطلاعات و ارتباطات الکترونیکی تنها ابزاری باشد که جهانیان همگی به صورت مشترک از آن استفاده می‌کنند. لذا هرگونه اختلال در آن به خوبی انعکاس جهانی دارد و به راحتی اعتبار یک کشور یا مجموعه خاصی در فضای سایبر لکه‌دار می‌شود. به همین دلیل، از آنجا که جنبش‌ها به دنبال انعکاس جهانی اقدامات‌شان هستند، این فضا می‌تواند بهترین گزینه باشد.

۵. امکان هماهنگی لحظه‌ای با ضریب اطمینان بالا. یکی از ابزارهای مورد نیاز و حیاتی جنبش‌ها، وسایل ارتباطی پیشرفته است تا بتوانند در کمترین زمان و کمترین مشکل از وضعیت یکدیگر آگاه شوند. رسانه‌های مجازی این امکان را برای آن‌ها فراهم آورده و آن‌ها می‌توانند با بهره‌گیری از انواع ابزارهای ارتباطات الکترونیکی، مانند پست الکترونیکی، محیط‌های گپ (Chat) و... به شکل مکتوب، صوتی و ویدیویی و به صورت زنده با یکدیگر ارتباط داشته باشند (Hancock, 2001: 555).

۶. امکان جذب حامیان از سراسر جهان. جلب حمایت جامعه مخاطبین مورد نظر و حتی عضوگیری از میان آن‌ها، از جمله مسایل لازم در جنبش‌های اجتماعی-سیاسی جدید است. حال با توجه به اینکه فضای مجازی امکانات رسانه‌ای بسیار گسترده‌تر با تأثیر گذاری بسیار بیشتر را با هزینه بسیار ناچیز نسبت به امکانات رسانه‌ای دنیای فیزیکی در اختیار همگان قرار داده است، جنبش‌ها نیز با بهره‌گیری از آن‌ها و ساخت انواع برنامه‌های تبلیغاتی چندرسانه‌ای به جلب حامی و جذب نیرو می‌پردازند.

۲. اهداف و ماهیت جنبش وال‌استریت

جنبش تسخیر وال‌استریت یکی از حرکت‌هایی است که در ماه‌های اخیر شاهد ایجاد و گسترش آن در شهرهای مختلف آمریکا هستیم. اواسط جولای سال گذشته میلادی یک مجله کانادایی به نام *دباسترز*^۱ با گرایش چپ فراخوان جنبش تسخیر وال‌استریت را در مخالفت با مصرف‌گرایی داد و تعدادی از گروه‌های محلی نیویورک از این فراخوان حمایت کرده و روز اول حرکت را ۱۷ سپتامبر (۲۶ شهریور ۱۳۹۰) همزمان با سالگرد تصویب قانون اساسی آمریکا اعلام کردند. بر این اساس آن‌ها در برابر ساختمان بورس اوراق بهادار نیویورک در خیابان وال‌استریت تجمع کردند. وال‌استریت نام خیابان معروفی در محله "منهتن" نیویورک است که به‌خاطر وجود ساختمان بورس نیویورک به شهرت رسیده است. همچنین بزرگ‌ترین مراکز اقتصادی آمریکا و چند بورس مهم دیگر این کشور در این خیابان قرار دارند که می‌توان به "بورس نزدک"، "بورس تجاری نیویورک" و "اداره بازرگانی نیویورک" اشاره کرد. این گروه‌ها اعلام کردند تا زمانی که به خواسته‌های‌شان رسیدگی نشود، به تجمع خود پایان نخواهند داد. خواسته‌هایی که گستردگی آن‌ها از بیمه تأمین اجتماعی تا پایان بخشیدن به جنگ‌های آمریکا در جهان و ایجاد شغل برای جوانان بود.

به‌طور عمده این جنبش مشابه جنبش‌هایی است که در دهه ۱۹۹۰م. و در اعتراض به دولت‌های موافق جهانی شدن مطرح شدند. مهم‌ترین این اعتراضات در سال ۱۹۹۹ در سیاتل ایالات متحده و هنگام برگزاری اجلاس سران سازمان تجارت جهانی رخ داد. مهم‌ترین بخش شعارهای این گروه، شعار ما «جزو ۹۹ درصد مردمیم» است که اشاره به نفوذ و سهم تنها یک درصد مردم از ثروت و قدرت در آمریکا و محرومیت سایرین دارد. آنچه که این خواسته‌های گوناگون را به هم وصل کرده، این است که این گروه‌ها اعتقاد دارند مدیران مالی در وال‌استریت هستند که مسبب همه این مشکلات هستند (گوهری مقدم، ۱۳۹۰: ۲-۳).

در حال حاضر آمریکا در شرایط رکود اقتصادی قرار دارد که این امر سبب بیکاری میلیون‌ها نفر و از دست رفتن خانه‌ها و سرپناه‌های عده زیادی شده که توان بازپرداخت دیون بانکی خود را ندارند، حقوق بازنشستگی عده زیادی نیز کاهش یافته یا قطع شده است و فشار اقتصادی گسترده‌ای بر مردم این کشور وارد آمده است. براساس آمارهای موجود، آمریکا دارای بالاترین شکاف بین ثروتمندان و فقرا در بین کشورهای پیشرفته دنیاست. شکاف بین جمعیت یک درصدی ثروتمند و مابقی ۹۹ درصد به رکورد بی‌سابقه‌ای رسیده است. این یک درصد، بیش از ۷۰ درصد دارایی‌های کشورهای را در اختیار دارند که این امر رکورد بی‌سابقه‌ای را در تاریخ آمریکا رقم زده است. به عبارت دیگر ۴۰۰ نفر از ثروتمندان آمریکا به اندازه ۱۵۵ میلیون نفر دیگر در این کشور دارایی و ثروت در اختیار دارند. از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۶ م. درآمد ثروتمندان یک درصدی آمریکا سه برابر شد و این در حالی است که درآمد ۹۹ درصد مابقی مردم این کشور تنها ۲۰ درصد افزایش یافته است. در فاصله سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۶ م، سه‌چهارم رشد اقتصادی آمریکا در اختیار این یک درصد بوده است. متوسط مالیات دریافتی از ۴۰۰ شهروند متمول و ثروتمند آمریکایی، ۱۷ درصد بوده که در مقایسه با ۲۶ درصد در سال ۱۹۹۲ م. افت چشمگیری پیدا کرده است. این یک درصد آمریکا در فاصله سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۷ م. شاهد رشد ۷۰ درصدی درآمدهای خود بوده‌اند؛ به طوری که در فاصله این سال‌ها طبقه متوسط تنها شاهد ۲۰ درصد رشد بوده است در حال حاضر بیش از ۱۶ میلیون آمریکایی در فقر مطلق به سر می‌برند که درآمد سالیانه آن‌ها کمتر از ۹ هزار دلار است. تعداد کسانی که در فقر مطلق به سر می‌برند از ۹ درصد در سال ۱۹۷۵ م. به ۴۳ درصد در سال ۲۰۰۵ م. رسیده است و همچنان هم در حال افزایش است. طی دو دهه گذشته، آمریکا دارای بیشترین نرخ رشد آمار فقر در بین ۳۱ کشور پیشرفته جهان بوده است. در اثر این شکاف بی‌سابقه در تاریخ آمریکا، طبقه متوسط این کشور در حال زوال و نابودی‌اند. با وجود بحران و رکود اقتصادی در آمریکا، شرکت‌های بزرگ آمریکایی سود بی‌سابقه‌ای کسب کرده‌اند. سال ۲۰۰۹ م. سال رکورد بی‌سابقه‌ای در خصوص کسب سود و پاداش بود و مدیران شرکت‌ها بیش از ۱۵۰ میلیارد دلار در این زمینه به دست آوردند. به‌طور قطع این پول‌ها از مالیات‌های افراد عادی به دست می‌آیند و اگر این همه منابع در راه ایجاد شغل به کار گرفته می‌شدند امکان آن بود که برای ۵ میلیون

نفر حقوق سالیانه‌ای برابر با ۳۰ هزار دلار در نظر گرفته شود. مدیران شرکت‌ها بیشترین حقوق‌ها را دریافت می‌کنند. از سال ۱۹۷۰م، میزان دریافتی آنان ۲۵۰ درصد افزایش یافته درحالی که حقوق سایر کارگران معمولی تنها ۲۶ درصد افزایش پیدا کرده است. مدیران شرکت‌های بزرگ ۵۰۰ برابر بیشتر از کارکنان معمولی درآمد کسب می‌کنند. درحالی که ۶۸/۳ میلیون آمریکایی در پی غذای کافی برای خوردن بوده‌اند و درآمد ۹۰ درصد مردم درحال کاهش است، درآمد میلیاردی آمریکایی درحال ثبت یک رکورد تاریخی است. ۲۰ درصد پایین هرم جمعیتی آمریکا عمدتاً هیچ ثروتی ندارند. اینان یا دارایی ندارند یا میزان بدهی‌شان بیشتر از میزان درآمدشان است. طبقات متوسط هم روی هم رفته حدود ۶۰ هزار دلار دارایی دارند که در مقایسه با دارایی متوسط یک درصد بالایی که حدود ۱۲/۵ میلیون دلار است، رقم چشمگیری به‌شمار نمی‌رود (گوهری مقدم، ۱۳۹۰ : ۵).

پیرامون ماهیت جنبش اشغال وال‌استریت نظرات متعددی بیان شده است. عده‌ای این جنبش را با جنبش تی پارتی (Tea Party Movement) حزب جمهوری‌خواه سال ۲۰۰۹ مقایسه می‌کنند. این جنبش به‌دنبال مجموعه‌ای از اعتراضات محلی و ملی در آمریکا به‌وجود آمده و متمایل به عقاید محافظه‌کاران بوده و در مقابل سیاست‌های باراک اوباما قد علم کرده است. طرفداران این جنبش، سیاست‌های وی را چپ‌گرایانه و سوسیالیستی می‌دانند. با این حال این افراد عموماً از طبقات مرفه و متوسط بالایی جامعه‌اند که نسبت به سیاست‌های مالیاتی اوباما اعتراض دارند. حال آنکه جنبش وال‌استریت افرادی از طبقات پایین جامعه را شامل می‌شود. شاید با دقت بیشتر بتوان این جنبش را مشابه جنبش اولیه تی پارتی دانست. طی آن جنبش در سال ۱۷۷۳ جمعی از مستعمره‌نشینان بریتانیایی در شهر بوستون، صندوق‌های چای را که قرار بود راهی بریتانیا شوند، در اعتراض به مالیاتی که لندن به آن‌ها بسته بود، به دریا ریختند، رخدادی که به «تی پارتی» معروف شد و یکی از اولین جرقه‌های انقلاب آمریکا و استقلال این کشور از انگلستان بود. درواقع معترضان در آن سال‌ها با بیانیه استقلال و جنگ، خود را از سلطه انگلیس رهانیدند و درحال حاضر معترضان اشغال وال‌استریت، به‌دنبال رهایی خود از تسلط سرمایه‌داران بزرگانند (Tarrow, 2011).

هرچند هر دو حزب سعی دارند این روند را مصادره کنند، اما آنچه درحال وقوع است فراتر از اعتراض به حزبی خاص است. ازسویی جمهوری‌خواهان پیروان این جنبش را معترضان به سیاست‌های دولت کنونی می‌دانند و سوءاستفاده انتخاباتی از آن‌ها را در سر دارند و ازسوی دیگر دموکرات‌ها با متهم کردن جمهوری‌خواهان به کارشکنی در انجام اصلاحات مالی، این اعتراض‌ها را به عملکرد آن‌ها منتسب می‌کنند و خود را وارث نظام مالی ضعیف دوران بوش و جمهوری‌خواهان می‌دانند. در عین حال، افراطیون در هر دو جناح نیز این اعتراضات را شورش‌های بی‌پایه و گذرا و حتی سوسیالیستی می‌دانند. محافظه‌کاران آمریکایی این جنبش را طرفداران آنارشی تلقی می‌کنند درحالی که لیبرال‌ها آن‌ها را افراد لیبرالی

می‌پندارند که بیدار شده‌اند. لیبرال‌ها هدف معترضان را اصلاح نظام سرمایه‌داری می‌دانند که راه خود را گم کرده و نمی‌تواند به مردم خدمت کند و در واقع معترضان، خواهان اصلاح رابطه دولت، مردم و شرکت‌های عظیم‌اند. این درحالی است که اوپاما اعلام کرد نارضایتی معترضان را درک می‌کند. وی اذعان داشت: «این اعتراضات نتیجه سرخوردگی مردم آمریکاست که می‌تواند به شکل سیاسی، خود را در انتخابات ۲۰۱۲ نشان دهد». ظاهراً سیاسیون ایالات متحده هریک نگران اثرگذاری این اعتراضات بر انتخابات ریاست‌جمهوری سال آینده‌اند تا سرنوشت مردم. با این حال معترضین معتقدند که اوپاما به فکر نجات وال‌استریت از بحران مالی بدون داشتن برنامه و اراده لازم برای اصلاح ساختار آن است (McVeigh, 2011).

معترضین جنبش «اشغال وال‌استریت» معتقدند دولت، نمایندگی سیاسی مردم را از دست داده و دموکراسی در این کشور، قلب ماهیت یافته است. به عبارت دیگر دولت و احزاب سیاسی تبدیل به نماینده نظام مالی و شرکت‌های اقتصادی عظیم این کشور شده و دیگر حامی و نماینده مردم محسوب نمی‌شوند. آن‌ها معتقدند «آنچه برای وال‌استریت مطلوب است برای مردم خوب نیست». معترضان اشغال وال‌استریت بر این باورند که نهادهای مالی و صاحبان سرمایه بر قانون اساسی ایالات متحده حاکم شده‌اند. در واقع اقتصاد، عامل اصلی تعیین‌کننده مناسبات سیاسی در آمریکا شده است. اعتراض این عده علیه بی‌عدالتی اقتصادی و مطامع شرکت‌های بزرگ و شکاف غنی و فقیری است که به عقیده معترضین میان ۹۹ درصد مردم عادی و تحت فشار اقتصادی، در برابر یک درصد سرمایه‌داران و اغنیا وجود دارد. معترضان جنبش در واقع خواهان شنیده شدن صدای خود و به رسمیت شناخته شدن توسط حاکمیت‌اند (Djerejian, 2011).

شرکت‌کنندگان در جنبش اشغال وال‌استریت دلایل اعتراضات خود را در محورهای مشخص و تحت عنوان بیانیه اشغال شهر نیویورک (Declaration of the Occupation of New York City) بیان کرده‌اند. آن‌ها در واقع تلاش دارند با شبیه‌سازی بیانیه خود به بیانیه استقلال آمریکا (Declaration of Independence) بر اهمیت خواسته‌ها و مطالبات خویش تأکید کنند. مهم‌ترین محورهای اعتراضی و مطالبات این گروه عبارت‌اند از:

- اعتقاد بر اینکه عدالت در آمریکا قربانی شده است.
- در تولیدات، انحصار جدی وجود دارد و مجال رقابت برای سایرین وجود ندارد.
- امنیت شغلی و ایمنی شغلی در ایالات متحده وجود ندارد.
- فشارهای مالی راه تحصیل و آموزش را برای افراد و جوانان در آمریکا سد کرده است.
- ارزش و میزان بیمه‌های اجتماعی و دستمزدها و بازنشستگی کاهش یافته است.
- نظام قضایی برای رسیدن به منافع سرمایه‌های کلان بازیچه قرار گرفته است.
- حوزه شخصی و حریم خصوصی افراد به بهانه‌های مختلف در آمریکا مورد تعرض قرار می‌گیرد.
- در آمریکا از سرکوب و نیروی پلیسی برای جلوگیری از آزادی بیان و مطبوعات استفاده می‌شود.
- پول‌های کلان برای حفظ منافع سرمایه‌داران به سیاستمداران داده می‌شود.

- رسانه‌ها برای ارائه اطلاعات غلط به مردم در انحصار شرکت‌های بزرگ‌اند.
 - استعمار داخلی و خارجی توسط صاحبان صنایع و شرکت‌های مالی بزرگ تعقیب می‌شود.
 - سلاح‌های کشتار جمعی در جهت کسب ثروت در اختیار این گروه‌ها قرار گرفته تا با دولت‌های دیگر قرارداد امضا کنند.
 - این شرکت‌ها در اقدامات نژادپرستانه حضور دارند.
 - تداوم سیاست‌های آن‌ها باعث فاجعه اقتصادی برای مردم آمریکا شده است.
 - سرمایه‌داران کلان، آمریکا را به نفت وابسته نگاه داشته‌اند و از انرژی‌های جایگزین محروم می‌سازند.
 - تبعیض جنسیتی در گرفتن شغل‌ها و مناصب وجود دارد (Bittman, 2011).
- این افراد در بیانیه خود آورده‌اند: «وظیفه سیستم است که از حقوق افراد مراقبت کند و وقتی سیستم فاسد است این افراد باید از حقوق خود دفاع کنند». از این رو شخصاً به خیابان‌های اطراف مهم‌ترین نماد مالی ایالات متحده آمده‌اند تا صدای خود را به گوش حاکمان این کشور برسانند (Holtz-Eakin, 2011).

۳. ویژگی‌های جنبش وال‌استریت

جنبش تسخیر وال‌استریت به رغم داشتن اشتراکاتی با جنبش‌های اعتراضی سابق آمریکا، ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که آن را از سایر جنبش‌های مشابه به کلی ممتاز کرده است. ویژگی‌هایی که با توجه به شرایط خاص کشور و مردم آمریکا از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ادامه به بررسی بعضی از این ویژگی‌ها می‌پردازیم:

۳.۱. مردمی بودن جنبش

یکی از ابعاد ویژه این جنبش را باید عدم تکیه بر هیچ گروه، حزب، دسته سیاسی و به عبارت بهتر مردمی بودن دانست. در سایت این جنبش بر نبود رهبری تأکید شده است. به این معنا که آن‌ها تلاش کرده‌اند استقلال خود را از گروه‌های سیاسی مطرح جدا و خود را به عنوان یک جنبش مقاومتی با ایده‌های مختلف معرفی کنند. همین تأکید ویژه مؤسسان این جنبش بر مردمی بودن و حتی نداشتن رهبر سبب شده تا عده‌ای گمان کنند این وضعیت ناشی از مبهم بودن خواسته‌ها، نامشخص بودن خط‌مشی و نداشتن هدف مشخص است. البته در مورد تصمیم‌سازی‌ها و هماهنگی‌ها باید گفت اکثر هماهنگی‌ها از سوی گروهی موسوم به "مجمع عمومی نیویورک" (NYC General Assembly) گروهی از فعالان، هنرمندان و دانشجویان و با استفاده از فیس‌بوک، توئیتر و دیگر رسانه‌های اجتماعی صورت می‌پذیرد. در واقع، آن‌ها به عنوان نهاد تصمیم‌ساز غیررسمی این حرکت شناخته می‌شوند و در شهرهای دیگر نیز "مجمع عمومی" آن شهر این مهم را به عهده دارد (Schneider, 2011). معترضان

تلاش می‌کنند هزینه‌ها را با جمع‌آوری کمک‌های مردمی تأمین کنند و با ایجاد نظم بین معترضین از انحراف جنبش جلوگیری کنند.

۳.۲. فراگیر شدن جنبش

در فراخوان اولیه این جنبش که با شعار تسخیر وال‌استریت صورت گرفت محل تجمع، ساختمان بورس اوراق بهادار نیویورک در خیایان وال‌استریت اعلام شد. ولی به سرعت اعتراضات از نیویورک به سایر ایالت‌های آمریکا نیز گسترش یافت. این اعتراضات محدود به خیابان هم نبود تا جایی که حتی عده‌ای از معترضان وارد ساختمان "هارت" سنای آمریکا شدند و شعارهایی بر علیه سیاست‌های اقتصادی و جنگ‌طلبانه حاکمان آمریکا سر دادند. بر پایه اعلام یکی از سایت‌های رسمی این جنبش، (occupytogether.org)، موج اعتراضات در نیمه دوم مهرماه به بیش از ۱۲۰۰ شهر در سراسر آمریکا گسترش یافت؛ که این تعداد در روزهای بعد ۱۴۰۰ نیز ذکر شده است. ادامه بحران وال‌استریت و گسترش آن پدیده‌ای است که تاکنون در آمریکا سابقه نداشته است. از سوی دیگر متعاقب شکل‌گیری جنبش وال‌استریت مردم بیش از ۹۵۱ شهر و ۸۲ کشور دنیا با برگزاری تجمعات اعتراضی در حال پیگیری خواسته‌های خود هستند و از جنبش تسخیر حمایت می‌کنند.

۳.۳. جنبشی فراطبقاتی

یکی دیگر از وجوه تمایز جنبش تسخیر وال‌استریت را باید تفاوت‌های زیاد و گاه متضاد معترضان دانست. بر این اساس افرادی که از این جنبش حمایت می‌کنند از یک گروه خاص نیستند. تظاهرات موسوم به تسخیر وال‌استریت طیف مختلفی از افراد با سنین و مشاغل متفاوت را به خود جلب کرد؛ کسانی که یک‌صدا علیه حرص و طمع شرکت‌های خصوصی، نابرابری اجتماعی، تغییر آب‌وهوای جهانی و دیگر نگرانی‌ها فریاد می‌زدند (Dobnik, 2011). پیش از این تظاهرات و حرکت‌ها به شکل صنفی، تک‌جنسی، تک‌موضوعی (جنبش ضدجنگ) و قومی (تظاهرات سیاه‌پوستان) و... بود. در حالی که در جنبش تسخیر وال‌استریت معترضان دارای سنین مختلف (از نوجوان تا کهنسال)، جنس متفاوت (زن و مرد)، اصناف گوناگون اقشار و طبقات متفاوت اجتماعی هستند. بررسی عکس و فیلم‌های جنبش به خوبی مؤید این ادعاست. به عبارت بهتر آنچه که این جنبش را از سایر اعتراضات و تجمعات ممتاز کرده است همین همبستگی گروه‌ها، سنین، اقشار و اصناف گوناگون است — که هر یک به نوعی از بی‌عدالتی و ناکارآمدی سرمایه‌داری و زرسالاری مدرن به ستوه آمده‌اند — تبلور این مطلب را می‌توان در اصلی‌ترین شعار معترضان: «ما ۹۹ درصد هستیم» به راحتی مشاهده کرد. بخش عمده‌ای از معترضان جزو طبقه متوسط آمریکا هستند این گروه، طبقه‌ای هستند که اکثر جامعه را تشکیل می‌دهند. هیتر گوتنتی، استاد جامعه‌شناسی در دانشگاه فوردهم و تحلیلگر اعتراضات

اجتماعی، در این زمینه می‌گوید: «بیشتر مردم فکر می‌کنند عده‌ای جوان ایدئال‌گرا در حال اعتراض هستند. اما جنبش گسترده‌تر از آنچه تصویر می‌شود تنوع دارد. من معترضانی مانند پرستاران و کتابداران را دیده‌ام که برای اولین بار در اعتراضات شرکت می‌کنند». دانشجویان در جنبش وال‌استریت مشارکت کردند که این مشارکت با توجه به اینکه در آمریکا دانشجویان به‌طور کامل سیاسی نیستند امر بدیعی محسوب می‌شود (Novek, 2011).

اعلام همبستگی و حمایت نظامیان آمریکایی و نیروهای پلیس با مردم یکی دیگر از ابعاد اهمیت جنبش وال‌استریت است. به عبارت بهتر ناکارآمدی سیستم سرمایه‌داری چنان مردم را به ستوه آورده است که حتی نیروهای پلیس که قرار بوده به عنوان سربازان دولت، امنیت عمومی را تأمین کنند به صف معترضان پیوسته‌اند. نظامیان پیشین آمریکایی همزمان با «روز کهنه‌سربازان» با پیوستن به جنبش اشغال وال‌استریت اقدام به راه‌پیمایی کردند؛ تا ضمن اعتراض به جنگ‌هایی که هزینه آن‌ها از سوی شرکت‌های وال‌استریت تأمین می‌شود اعتراض خود را نسبت به بیکاری گسترده در جامعه که گریبان آن‌ها را نیز گرفته است ابراز کنند. از دیگر وجوه تمایز جنبش تسخیر وال‌استریت حمایت گروه‌ها، چهره‌ها و شخصیت‌های مختلف از آن است. تاکنون بسیاری از تشکل‌ها و مجامع نظیر فدراسیون معلمان، اتحادیه کارگران حمل‌ونقل، اتحادیه پرستاران و اتحادیه دانشجویان، گروه‌های مسلمانان و... همبستگی خود را با این جنبش اعلام کرده‌اند.

۳.۴. تأثیر پذیری از انقلاب‌های خاورمیانه

یکی دیگر از ویژگی‌های این جنبش تأثیر گرفتن آن از قیام مردم کشورهای عربی و جریان بهار عربی و بیداری اسلامی است، تأثیری که موجب شکل گرفتن اعتراضات وال‌استریت شده است و عده‌ای از صاحب‌نظران از آن با عنوان بیداری آمریکایی یاد می‌کنند. در صفحه اول سایت (occupywallst.org) آمده است: «حرکت‌ها و تظاهرات فعلی در آمریکا از تظاهرات مردمی در جهان عرب الگو گرفته است». این مسئله به خوبی از سخنان و تابلو نوشته‌های مردم آمریکا قابل استنباط است. به گفته شماری از معترضان؛ ایده اشغال حیاتی‌ترین مراکز مالی آمریکا، از خیزش‌های مردمی چند ماه گذشته در کشورهای عربی خاورمیانه و شمال آفریقا، الهام گرفته است. معترضان آمریکایی بر به‌کارگیری تاکتیک‌های انقلابی مورد استفاده مردم در کشورهای نظیر تونس و مصر برای بازگرداندن دموکراسی گم شده در آمریکا تأکید دارند.

جنبش وال‌استریت از روش‌ها و تکنیک‌های انقلاب‌های خاورمیانه استفاده می‌کند که این روش نیز در آمریکا بی‌سابقه و جدید است. معترضان مردم معمولی هستند؛ مردم معمولی که با سیستمی که در مملکت حاکم است مشکل دارند. اگر به سایت اصلی این تشکل که سازمان‌دهنده این حرکت است رجوع شود، در همان صفحه اول گوشه سمت راست، به صراحت نوشته شده ما این حرکتی را که انجام داده‌ایم درحقیقت الگو گرفته شده از بهار عربی

است. بنابر این بحث اشغال الگو گرفته شده از همان اشغال میدان التحرير قاهره و لؤلؤ بحرين است؛ حرکتی که در جهان عرب اتفاق افتاد و مردمی که معترض بودند یک نقطه مهمی از شهر را مشخص کردند و همه آنجا ساکن شدند و ابراز داشتند تا به مطالباتشان ترتیب اثر داده نشود، آنجا را ترک نخواهند کرد. این روشی است که در حال حاضر در آمریکا در حال انجام است و معترضان به طور علنی ابراز داشته‌اند که از فاکتورهای کشورهای عربی استفاده کرده‌اند (Slaughter, 2011).

۴. رسانه‌های مجازی و جنبش وال استریت

یکی از مهم‌ترین مسائلی که معترضان در این جنبش به آن توجه جدی دارند دقت بهره‌گیری از ظرفیت رسانه‌های مجازی و توجه به آگاهی‌بخشی عمومی به موازات اقدامات عملیاتی است که به عنوان یکی از امتیازات مهم جنبش محسوب می‌شود. با شروع جنبش وال استریت رسانه‌های آمریکایی وابسته به امپراتوری‌های خبری بزرگ که اکثراً وابسته به سرمایه‌داران وال استریت هستند ترجیح دادند چشمان خود را نسبت به آنچه در خیابان‌های وال استریت اتفاق می‌افتد ببندند. سیاستی که هنوز هم ادامه دارد و در حال حاضر نیز رسانه‌های آمریکا به طور کامل بحران وال استریت را پوشش نمی‌دهند. بر این اساس معترضان تلاش می‌کنند به هر نوع ممکن و با تأکید ویژه بر استفاده از رسانه‌های مجازی اعتراض خود را جهانی کنند. بحث‌های برخطی درباره جنبش نیز هنگامی ابعاد جهانی یافت که معترضان اطلاع‌رسانی زنده در قالب خبر، عکس و تصویر تظاهرات سراسر جهان را از طریق توئیتر آغاز کردند. آنان با استفاده از گوشی‌های همراه و رسانه‌های اجتماعی تحولات شهر خود را همزمان در معرض دید جهانیان قرار می‌دادند. مردم آمریکا می‌دانند که این حرکت بُعد جهانی دارد و همه مردم دنیا متوجه آن هستند. آن‌ها سعی می‌کنند با استفاده از دوربین‌های شخصی و حتی گوشی‌های موبایل، پایگاه‌های اینترنتی و شبکه‌های اجتماعی و تابلوهای دست‌نوشته؛ آنچه در خیابان‌های آمریکا اتفاق می‌افتد را به گوش جهانیان برسانند. به گفته مایکل مور، اکنون همه فیلم‌ساز شده‌اند و با دوربین‌های کوچک موبایل‌های خود در حال رسوا کردن رژیم آمریکا هستند.

استفاده جنبش وال استریت از رسانه‌های مجازی و به خصوص اینترنت بسیار گسترده بوده است. اینترنت چنان‌که ذکر شد کارکردهای متعددی برای جنبش‌های نوین اجتماعی دارد؛ از جمله لابی‌کردن از طریق فرستادن ایمیل به مقامات دولتی و نخبگان سیاسی؛ شبکه‌سازی با انجمن‌ها و سازمان‌های مرتبط در داخل و خارج، بسیج سازمان‌دهندگان، فعالان و اعضا با ارسال اخبار، جمع‌آوری منابع مالی؛ و ارسال پیام خود به مردم از طریق رسانه‌های خبری سنتی. در واقع، دسترسی جهانی و سرعت فوق‌العاده اینترنت، آن را به ابزار کارآمدی تبدیل کرده است (Zelwietro, 1998). حتی زمانی که مقامات نیویورک به بهانه جلوگیری از خطر آتش سوزی، همه بخاری‌ها، وسایل گرم‌کننده و حتی مولدهای کوچک تولید برق را نیز از چادرهای معترضان جمع‌آوری کردند؛ معترضان در ابتکاری جدید، با استفاده از نیروی محرکه دوچرخه

و اتصال آن به دینام‌های مکانیکی، برق مورد نیاز رایانه‌های کوچک خود را جهت اطلاع‌رسانی مستقل، تأمین کردند.

با این وجود دولت‌مردان آمریکا که مدعی حقوق بشر، آزادی بیان و آزادی اجتماعات هستند به همین اندازه نیز رضایت نداده‌اند. بر این اساس مقامات دولتی آمریکا از مدیران ارشد فیس‌بوک و توئیتر خواستند تا محدودیت‌هایی برای معترضان ایجاد کنند. توئیتر برخلاف ادعای اجتماعی بودن خود، هم راستا با سیاست‌های واشنگتن، یوزر صفحه تسخیر وال‌استریت را مسدود کرد. پایگاه الکترونیکی فیس‌بوک نیز در اقدامی مشابه از ارسال پیام‌هایی که در آن‌ها اسمی از وال‌استریت به کار رفته است، اجتناب می‌کند. حتی همکاری رسمی مدیران ارشد فیس‌بوک و توئیتر با مقامات دولتی آمریکا برای بستن کاربری این افراد هم نتوانست مانع از فعالیت معترضین در اینترنت شود. همین مسئله موجب شده تا سران کاخ سفید با همراهی کنگره به دنبال اعمال مدیریت بر آخرین کانال ارتباطی مستقیم معترضین با مردم این کشور باشند.

اخیراً طرحی از سوی کنگره مورد بررسی قرار گرفته که صراحتاً می‌توان آن را "طرح تشکیل کمیته فیلترینگ در ایالات متحده" نامید. کنگره آمریکا در حال بررسی قانونی است که در صورت تصویب به مقامات آمریکایی اجازه می‌دهد وب‌گاه‌های مختلف نظیر سایت‌های ارائه دهنده خدمات اینترنتی، موتورهای جست‌وجو و پایگاه‌های پرداخت مالی را مسدود کند. کاربران از دسترسی به این پایگاه‌ها منع می‌شوند یا نمی‌توانند این پایگاه‌ها را در موتورهای جست‌وجو نظیر گوگل پیدا کنند. تمام این کارها بدون حکم دادگاه و بدون وجود سیستم فرجام‌خواهی قانونی انجام می‌شود. گفتنی است انتشار تصاویری از نحوه به روز کردن پایگاه اصلی معترضین وال‌استریت در وضعیتی نامناسب و مخفیانه به منظور در امان ماندن از سوی پلیس شهر نیویورک، با اعتراضات گسترده مردم و فعالان حقوق بشر روبه‌رو شد. (McCullagh, 2011).

از دیگر سو معترضان با برگزاری تجمعات متعدد، جلسه‌های بحث گروهی و تولید و توزیع محتوای علمی نسبت به مقوله روشننگری اهتمام ویژه دارند. در این راستا آن‌ها حتی اقدام به ایجاد کتابخانه‌های کوچک در کمپ‌های اعتراضی خود کرده‌اند. این نوع نگاه دو نتیجه اساسی به دنبال دارد: اول اینکه باعث شده به‌رغم سانسور خبری رسانه‌های وابسته به سرمایه داران وال‌استریت، معترضان بتوانند صدای اعتراض خود را با استفاده از رسانه‌های مجازی به گوش جهانیان برسانند. دوم آنکه در سایه توجه به اصل روشننگری و آگاهی‌بخشی به توده‌ها با گذشت چند ماه از شروع جنبش، هنوز روند اعتراضی ادامه داشته و حتی به شهرهای مختلف سایر نقاط دنیا نیز رسیده است.

نتیجه‌گیری

جنبش "وال‌استریت را اشغال کنید" اعتراضی است که ریشه در تبعیض و بی‌عدالتی موجود در نظام سرمایه‌داری و لیبرالیسم اقتصادی غرب دارد. این نظام، همت خود را تأمین منافع عده قلیلی از

سرمایه‌داران قرار داده است که البته از قبل فعالیت‌های آنان مردم نیز به شکل جانبی منتفع می‌شوند ولی در صورت فشار مالی و بحران، این سرمایه‌داران‌اند که باید نجات یافته و عمده فشار بر مردم وارد می‌آید. این جنبش را چه با هدف معین و بلندمدت بدانیم و چه مقطعی و گذرا، نشانگر اعتراض و سرخوردگی مردم از نظام اقتصادی است که در عین ایجاد رفاه ظاهری، تمام توان مردم را در جهت منافع عده‌ای معدود جذب می‌کند. این جنبش، دولت‌ها و سیاستمداران آمریکایی را نماینده واقعی شرکت‌ها و صنایع می‌داند نه نماینده مردم. آنان بازگشت دموکراسی به مسیر اصلی خود را می‌خواهند. این عده صراحتاً صحبت از دموکراسی مستقیم می‌کنند و معتقدند برای بیان نظرات خود نمی‌توانند به احزاب و نمایندگان سیاسی اعتماد کنند. لذا مستقیماً در صحنه حاضر شده‌اند. معترضان جنبش در واقع خواهان شنیده شدن صدای خود و به رسمیت شناخته شدن توسط حاکمیت‌اند. این خواسته‌ها با استفاده از ابزارهای مختلف در حال بیان است. جنبش اشغال وال استریت از طریق این شبکه‌ها شرایط سخت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی خود را به اشتراک گذاشتند و شبکه‌های اجتماعی غیرمجازی مانند خانواده، گروه‌های همسالان و دوستان خود را در شبکه‌های مجازی بازتولید کرده و بر انسجام اجتماعی خود افزودند. ویژگی‌هایی نظیر بدون مرز بودن فضای رسانه‌های مجازی، کاهش هزینه اقدامات جنبش، تأمین راحت امکانات و عوامل مورد نیاز برای اقدام، انعکاس جهانی اقدامات جنبش، امکان هماهنگی لحظه‌ای، امکان جذب حامیان از سراسر جهان باعث شده جنبش اشغال وال استریت از این امکانات حداکثر استفاده را برای نمایش جهانی جنبش خود کند و حتی باعث تسری تفکر خود به کشورهای دیگر نیز شود.

پی‌نوشت‌ها

۱. وابسته به بنیاد (Adbusters Media Foundation)، سازمانی غیرانتفاعی، ضد مصرف‌گرایی و حامی محیط‌زیست که در سال ۱۹۸۹ در ونکوور کانادا پایه‌گذاری شد. این سازمان در توصیف خود می‌گوید شبکه‌های جهانی از هنرمندان، فعالان، نویسندگان، دانشجویان و معلمان است که به دنبال ایجاد یک جنبش نوین اجتماعی در عصر اطلاعات هستند.
2. National Association of Securities Dealers Automated Quotations (NASDAQ).
3. New York Mercantile Exchange (NYMEX).
4. New York Board of Trade (NYBOT).

منابع

- گوهری مقدم، ابوذر. جنبش اشغال وال استریت: ماهیت و اهداف، گزارش راهبردی، مرکز پژوهش‌های مجلس، شماره ۱۲۰۳۶، کد موضوعی ۲۶۰، ۱۳۹۰.
- Allagui Ilhem, *The Arab Spring and the Role of ICTs*, International Journal of Communication 5, Feature 1435-1442, 2011.
- Bittman Mark, *Finally Making Sense on Wall Street*, The New York Times Company, 11 October, 2011.
- Declan McCullagh, How SOPA would affect you, CBS Interactive, available at: http://news.cnet.com/8301-31921_3-57329001-281/how-sopa-would-affect-you-faq/2011.

- Denning, Dorothy, *Activism, Hacktivism, and Cyber-terrorism: The Internet as a Tool For Influencing Foreign Policy*; Nautilus Institute, 1999.
- Djerejian Gregory , *This Ain't No Tea Party: A Conservative Defense of Occupy Wall Street*, The Atlantic Monthly, 12 October, 2011.
- Dobnik, V., *Wall Street protesters: We're in for the long haul*, Bloomberg Businessweek, available at: 2011.
- Doran Michael S. *The Impact of New Media The Revolution Will Be Tweeted in the Arab Awakening America and the Transformation of the Middle East*, Booking institution press, Washington, F.C, 1998.
- Hancock, Bill, *Cyber-tracking, Cyber-terrorism; Computers and Security*; Volume 20; Number 7, 2001.
- Holtz-Eakin Douglas, *What Occupy Wall Street Gets Wrong About Inequality*, Foreign Affairs, 24 October, 2011.
- <http://www.businessweek.com/ap/financialnews/D9Q4CNR81.htm>
- <http://www.coalitionblog.org/2011/10/swarm-wall-street-why-an-anti-political-movement-is-the-most-important-force-on-the-planet/>
- <http://www.commondreams.org/headline/2011/10/08-3> Rayner, T. (2011, October 10), *Swarm Wall Street: why an anti-political movement is the most important force on the planet*. *Coalition of the Willing*, Available at:
- Kaldor, M., *Global Civil Society*. London: Bkckwell publishing, 2003.
- McVeigh Rory, *How Occupy Wall Street works*, Foreign Affairs, 10 October, 2011.
- Nash, K., *Contemporary Political Sociology: Globalization, Politics, and Power*, Hoboken, NJ: Blackwell Publishing, 2000.
- Noveck, J. *Wall Street Protesters Want World to Know They're Just Like Us*, Associated Press: 2011.
- Schneider, N. *Occupy Wall Street: FAQ*, The Nation: <http://www.thenation.com/article/163719/occupy-wall-street-faq>, 2011.
- Slaughter Anne-Marie(2011), *Occupy Wall Street and the Arab Spring*, the Atlantic, OCT 7. Available at: <http://www.theatlantic.com/international/archive/2011/10/occupy-wall-street-and-the-arab-spring/246364/>
- Sofaer, *The transnational dimension of cyber crime terrorism*" (Book Review). Harvard Law Review, v. 115 no. 7, 2002.
- Tarrow *Sidney*, *Why Occupy Wall Street is Not the Tea Party of the Left*, Foreign Affairs, 10 October, 2011.
- Zelwietro, J. *The Politicization of Environmental Organizations through the Internet*. Information Society 14(1), 1998.

